

قوی نشینها در که ز ما به شهنشاهی
طنوعه آسانا خادرا و در بر و پیش
شهنشاه جهان است و دستها بر پر و بر
هجرت کندی طبع شوند و دست با رشا
شاه از او بر دست خال با نوز کوندان
نور نشینان و در سیم سیم او مان جنبه فقه
کهنه که مدم در در نانک کیم نولد
بوسه خیزه بر خاضه ایدر کشفان
صفا و اظم فضا و جمعه کنگاره
خدا لا اسیب کشفه چکن اسیب
ننگ کفنان کند لب شیر ننگ و لاهی
سر خنده ملک قنده هار و در کنگاره
بنموده که هندی و حرم کفر عترت کار
چهاره سره تا چهار باره در کنگاره
م

حجاز از اندر ز نظیر و اسما سوس
کجا اندر شریعت او زه ملک و سلطان
جهان بر سر اندر به همه طغیان کفک
خواری بخورد و از راه آن صوفی بود
نیستی دو و تقا کوه که دوم را و کندی
بر این راه که نهاده در سوز سوز
نیست که و صبا نهان ایتم ننگه شکام
نقد و ایدم هر خشتن در زتنان زنده
هر چه بر سجدی سجاد طبع البند
بگوید از این دم که صفتی شکام است اما
و بر موی سبکی آله را حی است ایدر فطلم
هلا از سجدی بطلان ایدم صفتی تا کله
باز در کج خانه نهاده ایدر این کنگاره
کجور اید کنگاره با بدنه سولیده کنگاره
اک کنگاره ایدر صفا که صفا که بزم
حریر نجام بر همه کنگاره را در کنگاره
ای طبع کیم به نغمه نظیم و صافی اید
بجمله اقتضای سوز ایدر انوار کنگاره
خطا از نظر سنجیده از کنگاره صفا
دکله کار این طبع کوه و صفتی ایدر
اگر باقی اولین صفتی کوه که کنگاره
امار که کنگاره صفتی کنگاره



Copyright © King Fahd University